

پیام هفت

نِحْمِیا - الگویی از کسی که برای خدا ارزش توزیعی دارد

مطالعه متون مقدس: مکاشفه ۱۲: ۱-۱۴؛ نحمیا ۱: ۱-۱۱؛ ۲: ۹-۲۰؛
۴: ۵-۴، ۹؛ ۵: ۱۰، ۱۴-۱۹؛ ۸: ۱-۱۰؛ ۱۳: ۱۴، ۲۹-۳۱

۱. **خواست خدا پایان دادن این عصر و آوردن عصر پادشاهی است؛ برای اینکه خدا این را به انجام برساند، او باید وسیلهٔ توزیعی خود را داشته باشد:**

آ. ما همه باید به خداوند نگاه کرده و دعا کنیم که در نزد خدا ارزش توزیعی داشته باشیم. ما باید از خود بپرسیم که برای بستن این دوره و آوردن عصر بعدی، عصر پادشاهی، چه می‌کنیم؛ این زمانی خاص است، پس نیاز به ایمانداران خاص است برای انجام یک کار خاص.

ب. کسانی که فقط می‌توانند بگویند: «برو»، اما نه «بیا»، تأثیری نخواهند داشت؛ یعنی آنها هیچ ارزش توزیعی برای خدا نخواهند داشت - ر.ک. عبرانیان ۱۰: ۲۲: ۱. نویسندهٔ عبرانیان به ایمانداران نگفت که نزدیک بروند، بلکه نزدیک بیایند؛ این بدان معناست که نویسنده در مکانی بخصوص بوده و از خوانندگانش می‌خواست که به جایی که او بود نزدیک آیند.

۲. ما باید به سه چیز نزدیک آییم: به قدس الاقداس، به تخت فیض، و به خود خدا؛ به عقب برنگردید - نزدیک آیید - آ. ۲۲: ۴؛ ۱۶: ۷؛ ۲۵: ۱۱؛ ۶.

۳. خدا بر تخت فیض است، و تخت فیض در قدس الاقداس است؛ در زمان نگارش کتاب عبرانیان، نویسنده آنجا در قدس الاقداس بود و از ایمانداران عبرانی دعوت می‌کرد که نزدیک آیند.

پ. ربایش مرد-فرزند به آسمان، افکندن شیطان به زمین، و اعلامیه در آسمان که پادشاهی آمده است، نشان می‌دهد که به دست آوردن مرد-فرزند توسط خدا، بزرگترین حرکت توزیعی اوست، زیرا این به عصر کلیسا پایان داده و عصر پادشاهی را معرفی می‌کند - مکاشفه ۱۲: ۵، ۹-۱۰؛ ۱۱: ۱۵.

ت. ربایش مرد-فرزند به تخت خدا، قبل از هزار و دویست و شصت روز خواهد بود، که زمان مصیبت عظیم سه سال و نیم (چهل و دو ماه) است - ۱۲: ۱-۱۴؛ ۱۳: ۵؛ ۱۱: ۲.

ث. ما در ممتازترین زمان زندگی می‌کنیم که در آن می‌توانیم بیشترین را برای خدا انجام دهیم. خدا به عنوان نور، راه را به ما نشان خواهد داد، اما مسیح ساکن در درون به عنوان قوت و قدرتمان، ما را قادر خواهد ساخت که مسیر را طی کنیم؛ برای اینکه در حال حاضر مورد استفاده قرار بگیریم، باید بهای بزرگی پرداخت شود - ۳: ۱۸.

۲. چون کلیسا به مقصود خدا نرسیده است، خدا گروهی از پیروزمندان را انتخاب خواهد کرد که به مقصود او رسیده و خواسته او را برآورده می سازند؛ این اصل مرد-فرزند است - ۱۲: ۱-۲، ۵، ۱۰-۱۱: ۲؛ ۷، ۱۱، ۱۷، ۲۶-۲۸؛ ۳: ۵، ۱۲، ۲۰-۲۱:

آ. زن درخشان عالمی نمایانگر مجموع مردم خداست، و در نهایت، نسل زن در پیدایش ۳: ۱۵ بزرگ شده است تا ایمانداران پیروزمند، بخش قوی تر از مردم خدا، که توسط مرد-فرزند نشان داده می شود را شامل شود - مکاشفه ۱۲: ۱-۲، ۵، ۱۰-۱۱.

ب. مسیح رستاخیز کرده به عنوان روح حیات بخش، نسل تبدیل شده زن، ذریت زن است که در ما توزیع شده تا سر مار را در ما بکوبد و ما را نسل جمعی زن، همان مرد-فرزند پیروزمند کند، تا داوری خدا را بر مار باستانی انجام دهیم و وسیله توزیعی خدا برای تغییر عصر و آوردن ظهور پادشاهی خدا باشیم - آ. ۵.

پ. مزمور ۲: ۸-۹، مکاشفه ۲: ۲۶-۲۷، و مکاشفه ۱۲: ۵ نشان می دهند که خداوند عیسی به عنوان مسح-شده خدا، پیروزمندان در کلیساها، و مرد-فرزند، با عصای آهنین بر امتها حکم کرده، از این رو ثابت می شود که خداوند عیسی، پیروزمندان، و مرد-فرزند یکی هستند؛ خداوند به عنوان پیروزمند پیشرو (۳: ۲۱) همان سر، مرکز، واقعیت، حیات و طبیعت مرد-فرزند است، و مرد-فرزند، به عنوان پیروزمندان پیرو، بدن خداوند است.

ت. از طریق مرگ خداوند بر صلیب، شیطان، مار کهن، داوری شده، بیرون رانده شد (یوحنا ۱۲: ۳۱؛ ۱۶: ۱۱)؛ آن داوری و حکم، در نهایت توسط پیروزمندان به عنوان مرد-فرزند، همان نسل جمعی زن، انجام و اجرا خواهد شد؛ جنگی که توسط ایمانداران پیروزمند بر ضد شیطان است، در واقع اجرای داوری خداوند بر اوست تا او سرانجام از آسمان رانده شود (مکاشفه ۱۲: ۷-۹).

ث. مرد-فرزند متشکل از غلبه کنندگانی است که از طرف کلیسا می ایستند، جایگاهی که کل کلیسا باید اتخاذ کند را برمی گیرند، و کار را برای کلیسا انجام می دهند - ۲: ۷، ۱۱، ۱۷، ۲۸-۲۶؛ ۳: ۵، ۱۲، ۲۱؛ ۱۲: ۵، ۱۱:

۱. همه مردم خدا باید در مقصود جاودان او نقش داشته باشند، ولی همه آنها مسئولیت بحق خود را به عهده نمی گیرند؛ بنابراین، خدا از بین آنها گروهی را بر می گزیند - همان مرد-فرزند که از زن به دنیا آمده است.

۲. در کتاب مقدس، افراد قویتر در بین مردم خدا، یک واحد جمعی در نظر گرفته شده اند که نبرد را برای خدا جنگیده و پادشاهی خدا را بر روی زمین می آورند - مکاشفه ۱۲: ۵، ۱۰-۱۱.

۳. خدا از مرد-فرزند برای انجام اقتصاد خود و به انجام رساندن مقصودش استفاده خواهد کرد - ۱ تیموتائوس ۱: ۴؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۹؛ افسسیان ۱: ۹، ۱۱؛ ۳: ۱۱.

۴. خدا به مرد-فرزند نیاز دارد تا دشمن خود را شکست دهد و پادشاهی خود را وارد کند تا مقصود جاودان او به انجام رسد؛ بازیابی خداوند، عملی بودن اقتصاد خدا امروز است، و اقتصاد او تنها می‌تواند توسط مرد-فرزند انجام شود. ۱۲: ۱۰.

ج. ربایش مرد-فرزند مبادله ای است که باعث می‌شود شیطان دیگر جایگاهی در آسمان نداشته باشد؛ ما باید برای برآوردن نیاز خدا، توسط اجرای داوری او بر دشمن او، ربوده شویم - آ.آ. ۵، ۷-۱۰.

چ. کسانی که مرد-فرزند را تشکیل می‌دهند، بر ابلیس (مدعی، تهمت زن)، که شیطان [یعنی] همان دشمن خداست، به خاطر خون بره و به خاطر کلام شهادتشان، و [چون] جان [زندگی روان] خود را حتی تا به مرگ دوست ندارند، غلبه می‌کنند - آ.آ. ۱۰-۱۱.

ح. تمام وجود مرد-فرزند با عنصر مسیح اشباع شده و نفوذ کرده است، زیرا آنها روزانه در انسان درونی خود تقویت می‌شوند تا مسیح خودش را در دل‌های آنها بسازد، آنها در حال تغذیه شدن با غنای کاوش ناپذیر مسیح هستند، و آنها مسیح را به عنوان زره کامل خدا می‌پوشند - افسسیان ۳: ۱۶-۱۸، ۸؛ ۶: ۱۰-۱۱.

۳. وقتی اسرائیل به مدت هفتاد سال به اسارت در آمد، خدا هنوز به خاطر نحمیا که یک پیروزمند حقیقی بود، یک حرکت توزیعی داشت؛ او الگوی کسی است که برای خدا ارزش توزیعی دارد - نحمیا ۱: ۱-۱۱؛ ۲: ۹-۲۰؛ ۴: ۴-۵، ۹؛ ۵: ۱۰، ۱۹-۱۴؛ ۸: ۱-۱۰؛ ۱۳: ۱۴، ۲۹-۳۱:

آ. نکته بسیار مهم در کتاب نحمیا این است که بازسازی شهر اورشلیم با حصار آن، هم یک بازیابی مداوم در بین برگزیدگان او برای شهادت او به عنوان دستاورد اقتصاد خدا و هم حفاظ و پناه خانه خدا در داخل شهر بود:

۱. این نشان می‌دهد که خانه خدا به عنوان مسکن و منزل او بر روی زمین نیاز دارد به استقرار پادشاهی او به عنوان قلمرویی برای حفظ منافع او بر روی زمین برای حکومت او جهت انجام اقتصادش - ر.ک. رومیان ۱۴: ۱۷.
۲. بازسازی خانه خدا نماد بازیابی کلیسای تنزل یافته توسط خداست، و بازسازی حصار شهر اورشلیم نماد بازیابی خدا از پادشاهی خود است؛ بنای خانه خدا و پادشاهی او با هم پیش می‌روند - متی ۱۶: ۱۸-۱۹.

ب. وقتی مسیح را به عنوان حیاطمان دریافته و از او مسرت می‌بریم، دارای کلیسا به عنوان خانه خدا هستیم. اگر فراتر رفته و به سری او پی ببریم، خانه بزرگ می‌شود تا شهر باشد، همان پادشاهی خدا - افسسیان ۱: ۱۰، ۲۲-۲۳؛ ۴: ۱۵؛ مکاشفه ۲۲: ۱.

پ. نحمیا نشان می‌دهد که ما باید امروزه در بازیابی خداوند، جسارت مناسب داشته

نحمیا - الگویی از ارزش توزیعی برای خدا

باشیم:

۱. رهبران موآبیان و عمّونیان از اینکه نحمیا جویای خیر و صلاح فرزندان اسرائیل بود بسیار ناراضی بودند؛ این نسل ناخالص ازدیاد یافته لوط، از فرزندان اسرائیل متنفر بوده و آنها را تحقیر می کردند - نحمیا ۲: ۱۰، ۱۹؛ ر.ک. حزقیال ۲۵: ۳، ۸.
۲. در رابطه با تمسخر، تحقیر و سرزنش این مخالفان، نحمیا بسیار خالص و جسور، و نه بزدل، بود - نحمیا ۲: ۱۷-۲۰؛ ۴: ۱-۲۳؛ ر.ک. اعمال ۴: ۲۹-۳۱؛ ۱ تسالونیکیان ۲: ۲؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۷-۸.
۳. افراد جسور از خدا کمک می گیرند؛ همچون نحمیا، پولس رسول با خدا همبسته شد و در این همبستگی به کمک خدا پی برد - اعمال ۲۶: ۲۱-۲۲.
۴. جسارت نحمیا، به عنوان یک فضیلت در رفتار انسانی او، نشان می دهد که ظرفیت، توانایی، و فضایل طبیعی ما باید از صلیب مسیح عبور کرده و به درون رستاخیز، به درون روح به عنوان تکامل خدای سه یکتا آورده شوند، تا برای خدا در به انجام رساندن اقتصادش مفید باشند.
- ت. نحمیا نه در انسان طبیعی خود بلکه در رستاخیز زندگی می کرد. او جسور بود، ولی جسارت او با ویژگی های دیگری همراه بود:
 ۱. در رابطه خود با خدا، او کسی بود که عاشق خدا و همچنین عاشق منافع خدا بر روی زمین بود، از جمله زمین مقدس (حاکمی از مسیح)، معبد مقدس (حاکمی از کلیسا) و شهر مقدس (حاکمی از پادشاهی خدا) - ۱ پادشاهان ۸: ۴۸؛ ر.ک. ۲ تیموتائوس ۳: ۱-۵.
 ۲. نحمیا به عنوان شخصی که عاشق خدا بود، نزد خدا دعا کرد تا با او در مشارکت تماس بگیرد؛ برای بازسازی حصار، نحمیا بر کلام خدا ایستاد و طبق آن دعا کرد - نحمیا ۱: ۱-۱۱؛ ۲: ۴؛ ۴: ۴-۵، ۹.
 ۳. نحمیا به خدا اعتماد کرد و حتی با خدا یک شد؛ در نتیجه، او نماینده خدا شد - ۵: ۱۹؛ ر.ک. ۲ قرنطیان ۵: ۲۰.
 ۴. نحمیا در رابطه خود با مردم، عاری از خودخواهی، عاری از خودستایی بود و جویایی منفعت خود نبود؛ او همیشه حاضر بود آنچه را که داشت برای مردم و برای ملت فدا کند - نحمیا ۵: ۱۰، ۱۴-۱۹.
- ث. نحمیا به عنوان والی [فرماندار]، در مقام پادشاهی، مردی با قلبی پاک برای بازسازی حصار اورشلیم، در اجرای اقتصاد خدا، بود؛ او الگویی بود از چگونگی یک رهبر بودن در بین مردم خدا - ر.ک. ۱ تیموتائوس ۳: ۲-۷؛ ۱ پطرس ۵: ۱-۳.
۱. برخلاف بسیاری از پادشاهان اسرائیل و یهودا، او خودخواه نبود، جویای منافع خود نبود، و به شهوت جنسی نمی پرداخت.

۲. به عنوان فرمانده کل، نحمیا از جمله کسانی بود که آماده جنگ علیه دشمن بودند، و او در نگهبانی شب شرکت کرد. او این امور را به دیگران واگذار نکرد بلکه خودش در آنها شرکت کرد - نحمیا ۴: ۹-۲۳.
۳. او و برادرانش مدت دوازده سال از غذایی که برای والی تعیین شده بود، به دلیل ترس از خدا، نخوردند - ۵: ۱۴-۱۵.
۴. او بدون هیچ نوع مبلغ پرداختی، به کار بر روی حصار شهر پرداخت؛ بجای خودخواه بودن، او برای بناسازی حصار به دیگران غذا می داد - آ. ۱۶-۱۸.
- ج. اگرچه نحمیا حاکم بود، او کلاً جاه طلب نبود؛ این امر با این حقیقت نشان داده شده است که او در بازساختن کشور، نیاز خود را به عزرا، برای بازساخت مردم خدا توسط کلام خدا، تشخیص داد - ۸: ۱-۱۰؛ فیلیپیان ۲: ۳-۴.
- چ. نحمیا رهبر کامل، بهترین رهبر در تاریخ بشر و بهترین نمونه بود از آنچه که یک ارشد باید باشد؛ این به یقین برای ما، به ویژه افراد رهبر در کلیساها، ارزشمند است که نمونه او را در نظر بگیریم تا بتوانیم الگوی کسب کردن خدا و جاری کردن خدا به دیگران باشیم تا عصر را تغییر دهیم - نحمیا ۵: ۱۹؛ ۱۳: ۱۴.